



جلب مشارکت‌های مردمی؛ جبران  
کمبودهای آموزشی

یکی از راههای جبران کمبود منابع مالی در بخش آموزش، اتخاذ روشهای مناسب برای ترویج سیاست مشارکت و سرمایه‌گذاریهای مردمی است، اما توفیق در جلب این منابع، به طور مستقیم بستگی به میزان توانایی سیاستهایی دارد که با اجرای آنها، مسؤلیت دولت در بخش آموزش کاهش پیدا می‌کند و از همین طریق است که می‌توان منبع جایگزین و قابل اعتمادی به هنگام بحرانهای مالی‌یی که گاهی دولتها با آن مواجه می‌شوند، پیدا کرد.

## آموزش و پرورش در جهان

نقل از خبرنامه دفتر همکاریهای علمی بین‌المللی

باورند که برای پیشگیری از روند روزافزون جرم و جنایت در آینده، باید به وضعیت تعلیم و تربیت مدارس توجه بیشتری داشت.

نشریه "آموزش بچه‌ها" چاپ آمریکا در شماره اخیر خود با درج گزارشی نوشت: اگر می‌خواهیم آمار جرم و جنایت در آینده کاهش یابد، باید در عین توجه به دروس دانش‌آموزان، به مسائل عاطفی و روحی آنان نیز توجه کنیم.

دانش‌آموزان آمریکایی طی میزگردی که برای بررسی مشکلات آنان برگزار شده بود، اعلام کردند که در زندگی روزمره خود با مشکلات پیچیده‌ای روبه‌رو هستند، آنان در این میزگرد از فقر مادی، کتک خوردن از والدین و یا خواهر و برادر بزرگتر، شکنجه روحی توسط اعضای بزرگتر خانواده و نزدیکان و همچنین زندگی با والدین معتاد و یا پدر و مادری که به بیماری‌های سخت مبتلا هستند، سخن گفتند.

کارشناسان حاضر در میزگرد مذکور اظهار داشتند که دانش‌آموزان به دلیل مشکلات روزمره‌ای که آنان را رنج می‌دهد، دچار فشار روحی می‌شوند و در نتیجه بازده آموزشی آنان کاهش می‌یابد.

این کارشناسان معتقدند که در صورت تداوم این آلام، دانش‌آموزان امروز به مجرمان آینده بدل خواهند شد.

پژوهشگران تعلیم و تربیت در آمریکا معتقدند ریشه بسیاری از جرایم و اعتیاد به مواد مخدر در میان دانش‌آموزان و جوانان را باید در نحوه تعلیم و تربیت و مشکلات و رنج‌های دوران کودکی آنان جست‌وجو کرد.

کارشناسان برای کاهش درد و رنج دانش‌آموزان برنامه‌های ویژه‌ای را به مربیان

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از کشورهای جهان، به یک بحران مالی دچار شدند که آنان را در تنگنا قرار داد. این بحران و کمبود منابع مالی، در بخش آموزش به دلیل ماهیت پرهزینه‌اش، آثار منفی بسیاری به جای گذاشت. در همین سالها بود که دولتها در پی یافتن چاره این مشکل بودند و کارشناسان در نهایت به این نتیجه رسیدند که جلب سرمایه‌های مردمی، یکی از بهترین راههای ممکن برای به حداقل رساندن تأثیر این گونه بحرانها در بخش آموزش است. البته این امر تنها علت توجه دولتها به مشارکتهای مردمی نبود، بلکه ماهیت کار آموزش، ارزشمند بودن مشارکت و احساس مسؤولیت و تعهد نسبت به این امر خطیر، دلایل محکمی بودند که دولتها و مردم را برای توسعه این همکاریها، ترغیب و تشویق می‌کرد.

تأسیس انجمن خانه و مدرسه (اولیا و مربیان) در بیشتر نظامهای آموزشی، پاسخی به این نیاز اساسی بود. این نهاد در نظامهای آموزشی بیشتر کشورهای جهان دارای پایگاه خاصی است و حتی در بعضی از این کشورها، اداره مدارس به آنها واگذار شده است. دلایل مختلفی از جمله کمبود منابع مالی، شمار زیاد دانش‌آموزان که عده آنها از جمعیت بعضی از کشورهای همسایه نیز بیشتر است، وجود انگیزه لازم از نظر اعتقادات و دستورهایی مذهبی برای ترویج آموزش و ... رواج فرهنگ مشارکت را در کشور ما حیاتی می‌کند.

به مسائل عاطفی و روحی بچه‌ها بیشتر توجه کنیم  
کارشناسان امور تربیتی در آمریکا بر این



و عکس تهیه می‌کنند. برطبق این برنامه، مریبان اجازه دارند گاهی فیلم و عکس‌های تهیه شده را برای دانش‌آموزان به نمایش بگذارند تا آنان رفتار ناشایست خود را ببینند. توصیه دیگر کارشناسان این است که

تعلیم و تربیت مدرّس امریکا توصیه کرده‌اند. در این برنامه‌ها به مریبان گفته می‌شود به دانش‌آموزان القا کنند که از طریق دوربین و یا روشهای نظارتی دیگر بر احوال و رفتار آنان نظارت کامل دارند و گاهی از عملکرد آنان فیلم



بحران زده را هدایت کنند.

با معرفی و بازگو کردن کتابهای تخیلی، بویژه کتابهایی که درباره سلامت و تندرستی مسخن مسی گویند و تسببات آلودگی به بزهکاریهای مختلف را بیان می کنند، باید درجه بحث و گفت و گو در این زمینه را باز کرد و در پایان هر بحث، فرصت اظهار نظر به دانش آموزان داده شود.

از دیگر برنامه هایی که مریبان تعلیم و تربیت می توانند انجام دهند این است که برگه هایی را میان دانش آموزان توزیع کنند که روی آنها نوشته شده است: "من می توانم ... " و هر دانش آموز، توانایی خود را روی برگه ذکر کند و بر اساس آن توانایی، معلم زمینه ترقی آنان را فراهم ساخته، مرحله به مرحله تا رسیدن به اهداف نهایی یاری شان دهد.

صندوق جمع آوری پیشنهادهای دانش آموزان در محلی نصب شود که بچه ها بتوانند براحتی همه نظرهای خود را بدون هراس از پیگرد اداری به مدیران مدرسه منتقل کنند. جلسات مشاوره جمعی میان معلمان و دانش آموزان که باید در ساعتهای مشخصی از روز انجام شود، از دیگر توصیه های کارشناسان تعلیم و تربیت است. آنان تأکید دارند باید برای دانش آموزانی که مایل نیستند در برابر سایرین به طرح مشکل خویش بپردازند، جلسات مشاوره خصوصی ترتیب داده شود.

برخی دانش آموزان مشکلات خاصی دارند که بهتر است معلمان مورد اعتماد آنان روزانه و یا به طور هفتگی با آنها به گفت و گو نشست، روند بر طرف شدن مشکل را پیایی جویا شوند و با ارائه رهنمودهای مناسب، این دانش آموزان

بقیه از صفحه ۶۷

۳) مادران طردکننده - سهل‌گیر، از لحاظ الگوی فرزندپروری طردکننده و بی‌اعتنا هستند و الگوهای صوتی آنها طردکننده و غیرآمیخته و معمولاً کودکانی سست اراده، کم‌انگیزش‌گرا و کمتر مسلط بر خود دارند.

۴) مادران سهل‌گیر - پذیرا از لحاظ الگوهای فرزندپروری بیش از حد مسؤلیت‌پذیر و دل‌رحم هستند و الگوهای صوتی - کلامی آنها محبت‌آمیز و گرم است و معمولاً کودکانی بی‌بندوباری، پرخاشگر و دیگر آزار دارند.

اخیراً دو الگوی جدید به الگوهای فرزندپروری اضافه شده است. یکی الگوی "هم احساس یا همدل" و دیگری الگوی سهل‌گیر - هوشیار. در الگوی هم احساسی، والدین قدرت کنترل دارند اما اعمال نمی‌کنند و در الگوی سهل‌گیر و هوشیار، مادر ظاهراً معیارهای روشن و قدرت کنترل دارد ولی عمداً و از روی فکر سهل‌گیر است. الگوهای صوتی مادران همدل و یا هم احساس و مادران سهل‌گیر - هوشیار به الگوهای صوتی - کلامی مادران سهل‌گیر - پذیرا شباهت دارد.

#### منابع فارسی:

- ۱- افروز، غلامعلی: روان‌شناسی خانواده، مقالات همسران برتر، ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲- دلیلو، جیمز و وندر، زنون: روان‌شناسی رشد، ترجمه خسرو گنجی، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۶.
- ۳- کیگان و ماسن: رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- ۴- ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی، ترجمه بهروز بیرشک، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.

برگه‌ها به طور هفتگی و ماهانه توزیع شود و در هر گام باید توانایی‌های بیشتری از دانش‌آموز انتظار داشت.

بر طبق این برنامه، از دانش‌آموزان قویتر خواسته می‌شود که مسؤلیت آموزش بچه‌های ضعیف را بر عهده گیرند.

توصیه دیگری که کارشناسان مطرح می‌کنند این است که عینک‌های بزرگی به علامت توجه دانش‌آموزان به وجود دیدگاههای مختلف و متفاوت درباره یک موضوع واحد و لزوم احترام به آراء و عقاید دیگران به دیوار کلاس نصب شود.

برای ایجاد تنوع و رفع خستگی کلاس می‌توان از دانش‌آموزان خواست که طنزهای خود را نوشته، در جمعی مناسبی گردآوری کنند و در موقع مناسبی آن را میان سایرین منتشر کنند.

مربیان می‌توانند از دانش‌آموزان بخواهند که پوشه‌های مخصوصی تهیه کرده، نوشته‌ها، اشعار، طنزها و نکات مثبت را در آن نگه‌داری و به هنگام افسردگی و دل‌تنگی به آنها مراجعه کنند.

همچنین معلم می‌تواند از دانش‌آموزی بخواهد مطالبی را برای دوستان خود تعریف کند و شنوندگان را نیز موظف کند که از شنیده‌های خود گزارشی تهیه کرده، ارائه دهند. توصیه دیگر پژوهشگران به مربیان این است که بچه‌ها را ترغیب کنند که در کلاس از موضوعات، اشیاء و چیزهای مورد علاقه خود حرف بزنند و درباره علت علاقه خود توضیح دهند. از شنوندگان نیز بخواهند درباره شخصیت گویندگان و علایق آنان با رعایت احترام به سلیقه دیگران، اظهار نظر کنند.